



«انسان توسعه یافته»؛ محور توسعه صنعتی

توسعه ی صنعتی یا صنعتی شدن هدف بلندمدت بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. از نظر عموم، صنعتی شدن فرآیندی است که طی آن بر تعداد کارخانه ها، ماشین آلات و تکنولوژیهای روز دنیا افزوده می شود. در حالی که این به معنای صاحب صنعت شدن است نه صنعتی شدن! اگرچه صاحب صنعت شدن در راستای صنعتی شدن است اما با یکدیگر تفاوت دارند. مرحوم عظیمی معتقد است: صنعتی شدن روندی پویا و بلندمدت است که نیاز به مقدماتی دارد. در جریان صنعتی شدن علاوه بر صاحب صنعت شدن بایستی نوع روابط تولید تغییر کند، زمینه ی فرهنگی آن از طریق آموزش و تزیق مبانی علمی-فنی در روح جامعه مهیا گردد.

برای توضیح دقیق تر، خلاصه ای از انقلاب صنعتی بریتانیا تشریح می شود. در بریتانیا قبل از انقلاب صنعتی، سیستم ارباب-رعیتی حاکم و عمده فعالیت مردم کشاورزی بود. تا اینکه رشد جمعیت و گسترش شهرنشینی به همراه افزایش نرخ بیکاری منجر به ازدیاد مشکلات اجتماعی و اقتصادی در این کشور گردید. دولت برای حل این بحران به فکر هدایت سرمایه ها به سمت صنعت افتاد. از اواخر قرن ۱۸ دایره ی فعالیت صنعت گسترش یافت اما در مقابل بسیاری از مسایل اجتماعی نادیده گرفته شد. جیمز کوریک در کتاب انقلاب صنعتی خود آورده است: «در جریان انقلاب صنعتی، زنان، کودکان و کهنسالان مجبور بودند برای معاش حداقلی خود، روزانه تا ۱۹ ساعت کار کنند. افراد بسیاری زیر چرخ های صنعت از بین رفت تا صنعت توانست به معنی امروزه آن شکل بگیرد. وقتی بنیان صنعت در این کشور قوی شد و قدرت درآمدی بالایی پیدا کرد، سطح، نوع زندگی و مطالبات مردم به مرور زمان تغییر کرد». این تغییر در راستای بهبود هر چه بیشتر شرایط اجتماعی و افزایش رفاه عمومی بود. مردمی که تا چندی قبل در سختی و رنج شدید زندگی کردند به مرور زمان در شرایط بهتری قرار گرفتند. این تغییرات به مرور زمینه ی تربیت انسان صنعتی را فراهم آورد. انسانی که قاعده مند، نظم پذیر، مسئولیت پذیر، قانون مدار و امثالهم است. این انسان با منطبق کردن رفتار خود با یک جامعه ای که صاحب صنعت است توانست توسعه ی صنعتی را تحقق بخشد. بنابراین محور توسعه ی صنعتی در بریتانیا که صاحب صنعت شده بود، انسان توسعه یافته بود. نکته ی حایز اهمیت این است که همین تجربه ی صنعتی شدن در بریتانیا که حدود دو قرن به طول انجامید، در آمریکا کمتر از یک قرن و در کشورهای جنوب شرق آسیا ظرف کمتر از نیم قرن تحقق یافت. این بدان معناست که لزومی ندارد برای تحقق یک جریانی مثل صنعتی شدن، همه چیز از نقطه ی صفر آغاز شود. یعنی نباید از نو چرخ را ساخت! مسیر صنعتی شدن براساس تجربه ی کشورهای پیشرو مشخص است. اما این بدان معنا نیست که بایستی قدم بر جای قدوم کشورهای پیشرو گذاشت و بدون هیچ تبدیلی آن را محقق ساخت. بلکه می توان از تجارب کشورهای پیشرو درس گرفت و با بومی سازی آن در جهه موفقیت را افزایش داد. البته در کشور ما در چند مرحله فرآیند صنعتی شدن در حال شکل گیری بود، که یکی از جدی ترین آنها مربوط به سالهای ۴۲-۱۳۴۰ می باشد که عملاً در مرحله ی صاحب صنعت شدن ناکام ماند. چرا که از یک طرف این فرآیند بر گرفته شده از نیاز داخلی نبود، بلکه برای عقب نماندن از قافله ی توسعه در جهان مطرح شد و چون قصد داشتیم ره صد ساله را یک شبه طی کنیم رو به ایجاد صنایع سنگین و واسطه ای آوردیم، اما چون این صنایع با ساختار جامعه هم خوانی نداشت، از سوی مردم قابل درک و هضم نبود و چندان موثر نیفتاد. به قول مرحوم عظیمی، متأسفانه ما نتوانستیم از سفالگری به صنعت چینی و از بیل به بولدوزر برسیم. یعنی داشته های خود را به جای اینکه تقویت کنیم و صنعتش را شکل دهیم، آنها را رها کردیم و رو آوردیم به استفاده از دستاوردهای دیگران و چون این دستاوردها برآمده از نیاز ما نبود، نتوانستیم رابطه ی خوبی با آن برقرار کنیم.

از طرف دیگر تصویری برای فرآیند صنعتی شدن طراحی شده بود که از اساس اشتباه بود. مثلاً تصور می شد چون فرهنگ جامعه ی ایران با توسعه ی صنعتی سازگار نیست و در کوتاه مدت نمی توان افکار و باورهای مردم را با توسعه همگام ساخت، لزومی ندارد از مشارکت عمومی برای توسعه ی صنعتی استفاده کرد، چون رفتار مردم منجر به توسعه نخواهد شد. بنابراین باید این فرآیند از بالا به پایین انجام شود و مردم در معرض توسعه قرار گیرند. تصور دیگر این بود که، توسعه ی صنعتی تنها با سرمایه گذاری های کلان و استفاده از تکنولوژی روز دنیا قابل دستیابی است. با سرمایه های حداقلی هیچ گاه نمی توان به توسعه رسید! یعنی از جزء نمی توان به کل رسید بلکه بایستی به شکل معکوس عمل کرد. در واقع باید فرآیند صنعتی شدن به مردم تحمیل شود که قاعدتاً دوختن چنین لباسی و بر تن مردم کردن، نه تنها باعث نشد که حس تعلق به آنها دست دهد بلکه مردم در مقابل آن جبهه گرفتند. نکته ی دیگر اینکه جریان صاحب صنعت شدن نه شکل بومی به خود گرفت و نه می توانست مقدمه ای برای صنعتی شدن باشد. مرحوم عظیمی می گوید: وقتی، تنها صاحب صنعت شدن به هر طریقی و بدون تکیه به پتانسیل های کشور ملاک عمل قرار گیرد، چندان پایدار نخواهد بود. این نوع صنعت که صرفاً کپی برداری است و با نقاط قوت داخلی پیوند نخورده، هرگز نمی تواند کمکی به تحقق توسعه ی صنعتی بکند.

کلام آخر اینکه، جامعه ای می تواند به صنعتی شدن برسد که در کنار راه اندازی و تقویت واحدهای صنعتی دارای مزیت، در اندیشه ی تربیت انسان متناسب این جامعه باشد. باید بپذیریم که صرفاً ایجاد صنایع، تضمینی برای توسعه ی کشور نخواهد بود، چرا که توسعه ی صنعتی، امری فیزیکی نیست که با ساخت صنایع غول بیکر بتوان به آن دست یافت بلکه دستیابی به توسعه، مستلزم تربیت و پرورش انسان توسعه ای است.

ظرفیت های را کد روی مشارکت فعال بخش خصوصی توانمند هم حساب کرده ایم. وی افزود: توسعه و تکمیل اکتشاف در پهنه های حبس شده استان که بیشتر آنها محدوده های سنگ آهن و مس هستند، به تحولی اساسی در این بخش خواهد انجامید و امیدواریم از دل این اکتشافات، معادن و طرح های جدیدی با ظرفیت گل گهر و سرچشمه در بیاید.

محمود سلطانی زاده تصریح کرد: اولویت دیگر دوره جدید، توسعه صنایع فرآوری برای تکمیل زنجیره ارزش سنگ آهن و پایان دادن به خام فروشی در استان است که برای آن نیز برنامه ریزی شده است.

تامین زیرساخت متناسب با شرایط جدید

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان بر تامین و توسعه زیرساخت های استان به صورت همزمان تاکید کرد و گفت: شرایط جدیدی پیش روی استان قرار دارد که متناسب با آن باید زیرساخت لازم و همچنین تامین آب مورد نیاز در دستور کار قرار گیرد.

مشارکت در تدوین برنامه ششم

وی در بخش دیگر گفت و گو، تدوین برنامه ششم توسعه کشور را نیز یادآور شد و گفت: ورود بخش صنعت و معدن استان به برنامه ششم توسعه از منظر سند توسعه تنظیم شده در سازمان و مبتنی بر سیاست های مدیریت ارشد اجرایی استان است و پیش بینی می شود با پایبندی برنامه ای که دولت دارد و در احیای مجدد سازمان مدیریت و برنامه ریزی هم تبلور یافته است، برنامه ششم توسعه در استان و کشور به موفقیت بالایی دست یابد.

تولید و مسئله تامین مالی

وی تصریح کرد: بر اساس پایشی که در ابتدای دوره جدید مدیریت سازمان صنعت و معدن در استان انجام شد، ۳۸ درصد بنگاههای اقتصادی استان، واحدهای فعال بالای ۵۰ درصد ظرفیت، حدود ۵۰ درصد آنها نیمه فعال و ۱۲ درصد واحدهای غیر فعال و را کد بودند که شرایط در این زمینه، نسبت به گذشته بهبود قابل توجهی یافته است هر چند تامین مالی بنگاههای اقتصادی استان همچنان با محدودیت هایی مواجه است. وی در پایان تصریح کرد: به دنبال رفع همه موانع تولید در استان هستیم و علاوه بر تدوین سند توسعه صنعتی و معدنی استان، پیشنهادهای خود برای اعمال در سیاست های کلان استان و برنامه ششم هم آرایه کرده ایم تا علاوه بر رشد تولید، به رشد مثبت شاخص های فضای کسب و کار و بهبود مستمر آن در استان از طریق رفع دست اندازها و روان سازی فرآیند صدور مجوز در بخش صنعت، معدن و تجارت استان هم دست یابیم.